

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عربی زبان قرآن 2

قواعد درس چهارم

مدرس: عبدالمجید رستمی

استان فارس کازرون

سال تحصیلی: 1400

پایه یازدهم انسانی

دبیرستان: نمونه دولتی سعادت سال تحصیلی: 1400

معرفه و نکره

معرفه:

اسم شناخته شده برای گوینده و شنونده و خواننده.

دو نوع معرفه:

✓ معرفه به ال: اسمی که ال بگیرد

المُدْرَسُ / القلم / الكتاب / الطالب

✓ معرفه به اسم خاص (عَلَم): اسم مخصوص کسی یا جایی.

عباس - فاطمه - کارون - کازرون - دماوند

نکره:

اسم ناشناخته برای گوینده و شنونده و خواننده
مهمترین نشانه اش گرفتن **تنوین** - - ۰ - ۰ است.

نکته: اسم های عَلم مذکر با وجود اینکه معرفه هستند اما تنوین می گیرند که این
تنوین نشانه ی نکره بودن نیست

اسم هایی که «**ال**» ندارند یا اسم خاص «**عَلم**» نیستند، نکره هستند.
رجلٌ / کتابٌ / مؤمنون / مسلمین / تلميذاً

شیوه ی ترجمه ی اسم های نکره :

در ترجمه ی اسم های نکره به یکی از شیوه های زیر عمل میکنیم:

الف) یا به آخرش (ی) می دهیم

ب) یا به اولش (یک) می دهیم

ج) یا هم زمان به اولش (یک) و به آخرش (ی) می دهیم

جاء مدرس: معلمی آمد. یک معلم آمد. یک معلمی آمد

نکته: اسم نکره اگر نقش **خبر** بگیرد در ترجمه (ی) یا (یک) نمی گیرد و به صورت **اسم معرفه** ترجمه می شود:

العلم **کنز**: دانش **گنج** است

شیوه ی ترجمه ی اسم معرفه:

شیوه ی ترجمه ی اسم معرفه:

در ترجمه ی اسم معرفه به آخر آن (ی) یا به اولش (یک) داده نمی شود.

البته اگر بعد از اسم معرفه یکی از کلمات (الَّذِي - الَّتِي - الَّذِينَ - الَّاتِي) بیاید، در ترجمه می تواند (ی) بگیرد.

جاءَ المُدَرِّسُ: معلم آمد.

و انْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَدَّوْتَهَا مُسْتَعْرَةً: و به خورشیدی که پاره ی آتشش فروزان است نگاه کن

ترجمه ال به اسم اشاره (این ، آن)

اگر در جمله ای یک **اسم نکره** بیاید و همان اسم دوباره (**ال**) بگیرد و تکرار شود، می توان (**ال**) را به (**این یا آن**) ترجمه کرد.

رَأَيْتُ أَفْرَاسًا. كَانَتْ الْأَفْرَاسُ جَنْبَ صَاحِبِهَا.

اسب هایی را دیدم. **آن** اسب ها کنار صاحبشان بودند.

ترجمه مضارع بعد از حروف (أَنْ - كِي - لِ - لَگِي - حَتَّى - لَنْ)

فعل مضارع بعد از حروف (أَنْ - كِي - حَتَّى - لِ - لَگِي) به صورت مضارع التزامی (ب + بن مضارع + شناسه) ترجمه می شود.

معانی این حروف

أَنْ به معنی (که)

حَتَّى - كِي - لِ - لَگِي به (معنی تا - تا اینکه - برای اینکه)

نمونه ها:

يَحْكُمُ: داوری می کند // حَتَّى يَحْكُمَ: تا «تا اینکه، برای اینکه» داوری بکند

يُحَاوِلُونَ: تلاش می کنند // أَنْ يُحَاوِلُوا: که تلاش بکنند

يَذْهَبْنَ: می روند // كَيْ يَذْهَبْنَ: تا «تا اینکه، برای اینکه» بروند

نکته: مضارع بعد از (لَنْ) به صورت **مستقبل منفي** ترجمه می شود.

تَنَالُونَ: دست می یابید لَنْ تَنَالُوا: دست نخواهید یافت

نکته: انتهای مضارع بعد از حروف فوق، در اول شخص مفرد و جمع و دوم شخص مفرد مذکر و سوم شخص مفرد مذکر و مؤنث علامت **فتحه** - می آید. و در دوم شخص مفرد مؤنث و مثنی و جمع (به جز جمع مؤنث) نون آخرشان حذف می شود. مانند مثال های بالا.

(ل) به معنی (تا - تا اینکه - برای اینکه) طبق دو فرمول زیر در جمله ها می آید:

الف) فعل + (ل) + فعل مضارع:

الوردة **تحتاج** إلى جوٍّ خاصٍّ **لتبقى** فيه طرية:

گل به هوای خاصی نیاز دارد تا تازگی در آن باقی بماند.

ب) ل + فعل مضارع + فعل:

لنتعلم الفيزياء في الصف **يجب** أن نتمرکز

برای اینکه فیزیک را یاد بگیریم باید تمرکز کنیم.

نکته: در ترکیب (ل) + فعل مضارع + فعل؛ در شرایط زیر (ل) به معنی (تا - تا اینکه - برای اینکه) نیست؛ بلکه به معنی (باید) است

✓ اگر فعل اول، جمله ی وصفیه باشد:

رَجُلٌ يَنْفِقُ مَالَهُ لِيَحْسِنَ خُلُقَهُ.

مردی که مالش را انفاق می کند باید اخلاقش را نیکو سازد.

✓ اگر قبل از فعل اول (الَّذِي - الَّتِي - الَّذِينَ - الَّتِي) بیاید.

الطَّالِبُ الَّذِي يَدْرُسُ لِيَجْتَهِدَ: دانش آموزی که درس می خواند باید تلاش کند.

✓ اگر قبل از فعلِ دوّم یکی از حروفِ (و - ف - ثَمَّ - بل - لکن - حتّی - أَنْ - عندما - حینما - بعدما - دون) بیاید.

لِأَذْهَبَ عِنْدَمَا تَذْهَبُ أُمِّي: باید بروم هنگامی که مادرم می رود.

لِيَذْهَبَ الرَّجُلُ وَيَنْجَحَ: مرد باید برود و موفق شود.

لِيَجْعَلَ الْجُهْدَ نُصَبَ عِيُونِي حَتَّى أَصِلَ إِلَى هَدْفِي: باید تلاش را مقابل چشمانم قرار بدهم تا به هدفم برسم.

نکته: اگر در موارد فوق بعد از فعلِ دوّم یک فعلِ سوّمی بیاید باز (ل) به معنی (تا - تا اینکه - برای اینکه) خواهد بود.

لِيَذْهَبَ الرَّجُلُ وَيَنْجَحَ يُحَاوِلُ: مرد برای اینکه برود و موفق شود تلاش می کند.